

تفوق انكلو ساكسون

✧ مربوط چيست ✧

يك كتاب اجتماعي مهمي است كه براي جوانان و اولياء
اطفال خيلي نافع است - در كتابخانه شرق بفروش ميرسد -
قيمت يك تومان

ايدة آل ملي

كتابي است حاوي يك سلسله مقالات اجتماعي در تعيين
ايدة آل ملي ايران در كتابخانه مزبور بفروش ميرسد ۷ قران

ايام محبس

نسخات آن قريب باهام و در كتابخانه مزبور موجود است

این کتاب

یکی از آثار ذیقیمت نویسنده محقق دکتر گوستاو لوبون است که در این کتاب میخواند بگوید: هر ملتی دارای یک روح مخصوص و مزایای روحی و اخلاقی هر ملتی میزان امتیاز آن ملت است از سایر ملل و تمدن هر ملتی مستقیماً زائیده شده روح اوست لذا در حال انتقال به ملت دیگر دست خوش تغییر و تبدیل میشود پس بالطبع از احوال روحیه ملل و عوارض آن و از ارتباط عناصر مدنیت هر ملتی با روحیات آن ملت و از کیفیت تغییر و تبدیل قوانین و فنون و معتقدات ملل و از تطورات اجتماعی و تاریخی ملل و از تأثیر عقاید و افکار و دیانات در مدنیتها و از موقعیت رجال تاریخی در مقابل تغییرات مهمه تاریخی و از عوامل استحکام قومیت و ارتقاء مدنیت یا موجبات زوال و انقراض آنها صحبت میکنند و علاوه بر این از مطالب نافع و مسائل مهمه اجتماعی و حقایق مفیده

رویه برفته بنظر بنده بعد از ~~کتاب~~ (عالی تفوق انگلو
ساکسون) این کتاب برای جامعه ایرانی که متأسفانه از این
رشته مطالب در آن منتشر نشده است خیلی مفید و نافع و
خیلی آرزو داشتم بترجمه آن مبادرت کنم ولی کسالت روحی
(که همیشه بواسطه طبع نشدن آثار به ترجمه یا موافق دست
میدهد) مانع بود

بیکاری ایام محبوسیت که در سه ماهه کابینه سید ضیاءالدین
امتداد داشت بنده را موفق به ترجمه آن از نسخه عربی که
احمد فتحی پاشا زغالول نویسنده فلسف و متعلق معری نگاشته بود
نمود اما متأسفانه تا امروز که قریب سه سال از ترجمه آن
میگذرد موفق به نشر آن نشدم

اخیراً دوست فاضل آقای دبیر اعظم که همیشه برای ترویج
و نشر افکار بزرگان يك مایخولپای مخصوصی دارد ~~کتاب~~
مزبور را بنظر آن مرد بزرگی که دست تقدیر مهادت ایران
را در پیشانی مقدرات او نوشته (آقای سردار سپه رئیس الوزراء
و فرمانده معظم کل قواء) رسانیده و امر بطبع آن نمودند
بنده نه از لحاظ اینکه ترجمه این کتاب باسم بنده است

بلکه از لحاظ اینکه بالاخره یکی از هزارها کتب مفیده که نشر آن در این جامعه لازم است نشر داده اند تشکر میکنم و امیدوارم همان طوری که تاریخ زندگانی تاریخی ایشان با اعمال بزرگ سیاسی و اقتصادی و نظامی مزین است مثل اغاب بزرگان دنیا به نشر علم و معارف و ترویج فضل و افکار عالیه آرایش یابد و تمدن جدید ایران را رهین مساعی خود فرمایند .

طهران ۱۸ جدی ۱۳۰۲ ۳ جمادی الثانی ۱۳۴۲

علی . دشتی

دیباچه کتاب

مساوات در عصر حاضر و حقیقت تاریخ

نمو فکر مساوات - نتایج این فکر - اگر عمل شود

چه آثاری خواهد داشت - نفوذ و تأثیرات آن بر ممال

امروزه - موضوع این کتاب - بیان مهمترین علل و موجبات

تغییر تمدنها - آیا عناصر مدنیت هر قومی یعنی قوانین و

انظمامات و عقاید و فنون آنها اختصاص به حالت روحیه ملل

دارد - قوانین ثابتہ تغییر و تبدیل تاریخ .

شالوده تمدن هر ملتی مبادی (۱) معدوده چندیست که منبع
توارش آداب و اخلاق ، فنون و صنایع ، قوانین و نظامات
اجتماعی آن ملت محسوب میشود . تکوین و پیدایش مبادی در
جامعه های بشری محتاج قرون متمادیهست همچنانیکه هو نمیشود
مگر در طی قرون عدیده .

ممکن است مبادی تمدن يك ملتی فاسد و غلط بوده باشد
ولی فساد و بطلان آن فقط بر افکار منظور و آزاد واضح
میشود و توده اجتماع در مقابل همان مبادی غلط تسلیم صرف و
تهدیت مطلق دارند . مبنی بر این جریان طبیعی است که ایجاد يك
عقیده جدید و نشر يك فکر تازه ای که مخالف جریان اجتماعی باشد
خیلی مشکل و محتاج مرور زمانهای طولانی است .
بعضی از فلاسفه تاریخ بشر و تبدلانی را که در قوه ها

(۱) مبادی هر علمی اصول و قوانین اولیه و بدیهیه آن علم
است . مبادی اجتماعی عقاید و افکار است که تا عمیق ترین زوایای
روح يك ملتی فرو رفته و جزء فطریات و احساسات طبیعی آنها
محسوب میشود . مثلاً احترام ~~سرسختگی~~ یکی از آن عقایدی است
که در قدیم بر مصر مستولی بوده و در حقیقت اساس بنای اهرام با
عظمت آنها بشمار میرود .

و کیفیت تناسبی او روی داده است فراموش کرده و در این
صدد بر آمده اند که فکر مساوات را به جامعه بشری تزریق نمایند
این خیال زیبا اعصاب بشر را تکان داده و فکر او را احاطه
کرده و روز بروز بر انتشار خود افزود تا آنکه اساس تشکیلات
اجتماعی قدیم را متزلزل و ملل اروپا را بیک مهر که پر از اضطرابی
انداخت .

تفاوت و امتیازاتی که ما بین افراد و جمعیت‌های بشری موجود
است یکی از مشهورات واضحه است که حق آن فلاسفه ای که
آرزو دارند مساوات مطلقه بر جامعه بشری حکم فرما شود بدان
اعتراف دارند ولی این عدم تساوی را ناشی از تربیت دانسته و
تصور میکنند اگر تربیت را بطور تساوی و بدون تفاوت در
جامعه تعلیم بدهند ، رفته رفته خصایص فطری محو و آرزوی خود
یعنی مساوات مطلقه خواهند رسید . زیرا ، بگویند همه افراد بشر
در هوش و اخلاق بطور مساوی از مادر متولد شده اند و این
ترتیب و نظامات هیئت اجتماعی است که آنها را از یکدیگر متمایز
ساخته .

این نظریه تنها بمرام مومنیالیسم اختصاص ندارد دموکراسی
هم راه اصلاح تمام مقاصدیکه مبنای اخلاقی را جریحه دار نموده
است تعلیم و تربیت و اصلاحات نظامات اجتماعی میداند .

اما علم و دلیل ثابت کرده است که ایجاد مساوات يك فكر
 عمل نیست و این فواصل بعبده ای که دست حوادث طبیعی و این
 عقول بشر ایجاد کرده است از بین نخواهد رفت مگر با استمرار
 عوامل موثره آنها در يك مدت طولانی و با يك سیر آندی
 علم الروح (بسیکو لژی) تا این اندازه که پیشرفته
 ثابت نموده ، تجزیات و مشهودات نیز مبرهن کرده است که
 نظام و ترتیبی که برای يك فرد یا يك جمعیتی زیبا و پر ازنده است
 احیاناً برای فرد دیگر یا جمعیت دیگر بی فایده و بلکه مضر باشد
 ولی این فلاسفه نمی توانند يك عقیده را باطل نمایند که در عمق
 روح و عقل جمعیت فرو رفته است ،
 نمسك جمعیت ها ببدأ و عقیده مانند طغیان رودخانه
 است که مزارع و محصولات اطراف را غرق و فاسد میکنند بدون
 اینکه هیچگونه وسیله ای بتواند از آن جلوگیری نماید .
 مابین علمای علم روح و سیاستون عمیق و تفکرین دانشمندان
 کسی یافت نمیشود که بخطای این نظریه موهومی که دنیا را تکان
 داده و آتش فتنه و اضطراب را در اروپا و امریکا دامن زده و
 مستعمرات فرانسه را بیک حالت بدی انداخته معترف نشده باشند
 معذالك کمتر کسی در میان آنها برای مقاومت این سبیل
 دهشتناك خود را حاضر نموده است .

اصل تساوی در زندگانی تا کنون دوره تکامل خود را طی
نکرده و بدوره انحطاط نرسیده لذا روز بروز بر عظمت آن
افزوده میشود .

این همان مبدئی است که مرمیالیست ها آنرا موجد سعادت
نوع بشر دانسته و به نشر آن قیام کرده اند با آنکه در حقیقه
ملل دنیا را به پرتگاه رقیت سوق میدهد

از روی همین مبدأ فکری است که زنها بمطالبه حقوق خود
قیام کرده تفاوت فاحش جنس انث و مذکور را فراموش نموده اند
و اگر يك روز بهرام خود کامیاب شدند هیچ مردی در اروپا
صاحب قامل و زندگانی نخواهد بود

ملل دنیا بانقلابات عظیمه که این فکر در دنیا ایجاد کرده
و در آنجه انقلابهای خونین و عبوس نری را ایجاد خواهد
کرد اهمیتی نمیدهند . رجال سیاست هم در اهتمام باین امر از
دیگران پیش نیفتاده اند زیرا حیات سیاسی آنها کوتاه و جریان
بتسامعی قویتر و حاکم مطلق در این قضایا بشمار میرود نه
تیمرة دیپلوماتها و حکمرانها

درجه اهمیت يك عقیده دینی یا اجتماعی یا سیاسی بصحت
سقم آن مربوط نیست بلکه بتوقف بر درجه تاثیر و نفوذ
آن عقیده است در اذهان و افکار مردم زیرا تشخیص صحت

و بضم تعالیم یک مذهبی یا دستور های یک مراسمنامه به عهدینه
 فلاسفه و حکامست ولی بعد از آنکه توده یک ملتی یک مبدأ دینی
 یا سیاسی یا اخلاقی عقیده پیدا کرد نمیتواند در محنت و بزم
 آن مطالعه نماید بلکه کور کورانه بمقتضای آن رفتار کرده
 و هیچ مخالف یا نقادی جز همراهی چاره نخواهد داشت از این
 جهت است که مساویان از طریق ترتیب و نظارت اجتماعی
 قدم برداشته و امیدوارند باین ترتیب طیبت را از سیر ظالمانه
 خود جلوگیری نموده در آنگاه سیاهان [مارتینیک] و اهالی
 [گوادلوپ] و [منگال] و اعراب الجزایر و ساکنین آسیا را
 تسوی دهند. محقق است که این آقاها به آرزوی خود
 نخواهند رسید ولی آنچه آنها را از این عقیده منحرف نماید
 تجربه است نه عقل و فلسفه

غرض از نگارش این کتاب بیان حالات روحیه ایست که
 قومیت هر جامعه از آن تکوین یافته و تاریخ تمدن هر ماتی
 بر روی آن زمینه استوار است بنا بر این مباحثات ما عبارت
 خواهد بود از مطالب ذیل

۱ - پیدایش ملل تاریخی، بیان ساختار فکری

آنها . مراد از ملل تاریخی مللی است که بعد از تاریخ طلسمور
نموده اند . مدلی که در نتیجه مهاجرت ها ، فتوحات ، و
انقلابات سیاسی و اجتماعی پیدا شده اند

۲ - تاریخ اقوام بشری از کیفیت تبدلات سیاسی آنها
استخراج میشود . اخلاق و روحیات ملل تا چه درجه ثابت
یا دستخوش تغییر است

۳ - آیا طبیعت و سیر تکامل بشر را بسوی مساوات
در زندگانی میکشاند و یا بطرف تفاوت و امتیاز ؟

۴ - عناصر تمدن هر ملتی (یعنی فنون و صنایع ، آداب
و اخلاق ، معتقدات و نظامات آنها) یکی از مظاهر روح
آن ملت و از آثار مخصوصه ساختن فکری آنها است که
عیناً قابل نقل و تحویل بملت دیگر نخواهد بود

۵ - بیان طوقانهای حوادثی که پرتو تمدن یک ملتی را
خاموش می نماید

ما در بیان این مطالب به تفصیلات نمی پردازیم مگر تا
آن حدی که تشریح یک مسئله ما را مجبور نماید زیرا در سایر
تالیفات خود این مسائل را مشروحاً ذکر نموده ایم

سپادت ها و مسافرت های عیدهای که برای مطالعه احوال

اجتماعی ملل مختلفه نموده ام بالاخره این نتیجه را بدهن من سپرده است که هر ملتی دارای يك (ساختن فکری) مخصوصی است که منشاء اخلاق و عادات ، فنون و صنایع ، قوانین و نظامات و کلیه آثار تمدن آن ملت خواهد بود

(تو کبیل) و یک دسته دیگر از دانشمندان گمان میکنند

قوانین موضوعه و نظامات جاریه هر مدتی اساس تغییرات و تبدلات آنها محسوب میشود ولی امیدوارم که بر خلاف این عقیده از اوضاع همان ملل که (تو کبیل) موضوع مطالعات خود قرار داده است مبرهن نمایم که تأثیر قوانین موضوعه خدلی ضعیف و غالباً هویت اخلاقی و عقلانی مال ملت پیدایش این نظام اجتماعی آنها میباشد نه این که نظامات عادت تغییرات روحی و اخلاقی وقع شود

البته حوادث فردی و سرگذشت اشخاص در تاریخ بشریت دخیل میباشد ولی زمینه تاریخ را نوامیس ثابت و معینه ای تشکیل می دهد که مهم ترین آنها از حیث تعمیم و عدم تخلف ساختن فکری ملل بشمار میرود . حیات اجتماعی هر ملتی یعنی قوانین و فنون و معتقدات آنها فقط نقطه های برجسته است از صفحه روح آن ملت و هیچ ملتی نمیتواند قوانین ، صنایع و فنون ، آداب و معتقدات خود را تغییر بدهد مگر این که

روح خود را تغییر دهد - بلی تاریخ ذکری از این حقایق
 نکرده ولی ما با کمال سهولت ثابت خواهیم کرد که بسیاری از
 مقررات تاریخی مبانی برظواهر و بکلی از حقیقت عاری است
 مصلحتی که از يك قرن باین طرف در اجتماع بشری عرض
 وجود نموده اند خیلی سعی کردند در اینکه تغییراتی در اطوار
 بشر داخل نمایند ولی ثابت و پایداری روحیات ملل بآنها
 ثابت کرد که فقط يك قدم خیلی کوچکی بطرف مقصد خود
 برداشته اند

زیرا تفاوت فاحشی که ما بین مخلوقات و ما بین جوامع
 و مابین افراد بشر موجود است بکلی منافی مقام دموکراسی و
 سومنیالیزی است و هنوز علم نتوانسته است باین پیش قدمان
 راه مساوات ثابت نماید که جستجوی سعادت در این دنیا خطا
 است هم چنانکه بشر در بدو ظهورش بسوی آن شتافته و
 هنوز هم نیافته است - البته اگر آن تفاوت فاحش در خلقت
 بشر موجود نبود این خرابیهای شیرینی که برای ایجاد مساوات
 می بینند کم قیمت تر از سایر وسایلی که بشر برای تحصیل سعادت
 آورده است نمی بود

تنها آن تفاوت فاحش از مظالم طبیعت نیست ، اگر به
 پیری و مرگ نظر نماییم اقرار خواهیم کرد که مظالم طبیعت

انسان با این مرحله ندارد بشر همیشه مقهور سرپیخته ظاهر است
طبیعت و جز محکومیت و اسطاعت مطلق هیچ چاره و
گزیری ندارد (۱)

(۱) در این که آیا اصول مساوات ممکن است یكروزی
در دنیا ظاهر شود جای بحث و مطالعه است ولی این يك مسئله
گویا قابل شبهه نباشد که بشر خیلی پیش از درجه تفاوت عقلی
و روحی خود تفاوت معیشتی دارد و این تفاوت فاحشی
که در زندگانی بشر پیدا شده ابداً نتیجه تفاوت عقلی آنها
نیست بلکه نتیجه نظامات و قوانین غلطی است که از قبل از زاده
تاریخی بر جامعه بشری حکومت نموده است . اصول سوسیالیزم
يك وسیله ایست که اگر دنیا را به تساوی مطلق نرساند اقلتاً
از این افراط و تفریط فوق العاده خواهد کاست و همچنانکه
قوانین موضوعه توانسته اند آزادی جرائم را محدود و جنایات
را کم و مختصر کنند شاید اصول سوسیالیزم نیز عاجز نباشد از
اینکه تا يك حدی از فجایع کاپیتالیزم جلو گیری کند .

فصل اول

روح ملک (قومیت)

طریقه علمای علوم طبیعی در تقسیم انواع - با همین طریقه باید انسان را به ملل مختلفه تقسیم نمود - اصول تقسیم بندی ملل غلط است - اساس تقسیم از لحاظ روحیات - نمونه محیط در ملت - عوامل اخلاقی که موجد محیط است - تأثیر نیاکان و پدر و مادر - حالت روحیه که در هر يك از افراد يك ملت موجود است - تأثیر ادوار گذشته بر عصر حاضر - علت تأثیر - روح اجتماعی چگونه از خانه بقریه و از قریه بشهر و از شهر به مملکت منتشر شده - مزایای تمدن و مضار آن - چه وقت ایجاد يك روح اجتماعی غیر ممکن است - ایتالیا - چگونه ملل طبیعی مردانه و ملل تاریخی جای آنها را گرفت

علمای علوم طبیعی در تقسیم حیوانات و نباتات همیشه مبدأ تقسیمات خود را خصایص و تمیزاتی قرار میدهند که این خصایص و تمیزات در نسل هر يك از آن انواع پیوسته يك صورت ثابت و مبینی ظاهر میشود ، اگر چه امروز ثابت شده

است که ممیزات نوعی در هیچ يك از حیوانات ثابت و دائمی نیست و موافق قانون اختلاف (Variété) دستخوش تغییر است ولی این تغییر با اندازه ای کند است که نظر بزمان های تاریخی می توان انواع حیوانات یا نباتات را ثابت و غیر قابل تغییر گفت

بهمین ترتیب انسان را بر حسب خصایص واضحۀ بدنی مانند رنگ بشره ، حجم جمجمه بچندین صنف تقسیم کرده اند که یکی از یکی بگر متمایزاند . بعقیده این ها انسان موجوده امروز فرزندان يك پدر و مادر نیستند و از ریشه های مختلف میباشند . علمائی که بعقاید دینی تکیه دارند اصناف مختلفه نوع انسان را از يك اصل واحد منشعب میدانند ولی علمای علم تکوین تقریباً در این عقیده متفقند که نژاد سفید و سیاه دو فاصله بزرگی از نوع انسان هستند که ممکن نیست آنها را فرزندان يك پدر و مادر گفت

این تقسیم خیلی ناقص است زیرا وقتی که ممیزات اصناف بشر را فقط رنگ بشره یا فیزیوآرمی جمجمه قرار دهیم نوع انسان بچهار قسمت بیشتر منقسم نمی شود : سفید ، زرد ، سرخ و سیاه که تشابه اصناف مذکوره خیلی کم و تباین آنها محسوس و بزرگ است با آنکه شیب مختلفه يك نژاد که در ترکیب دماغ و رنگ بدن اختلاف ندارند به درجه ای در حالات روحیه

و طرز ادراکات و اصول زندگانی از یکدیگر دور هستند که
 بالطبع تمدن آنها ، عقاید آنها ، فنون و منابع آنها ،
 شبیه نیست مثلاً نمیشود اسپانیولی وانگلیس و عرب را در یک
 ردیف قرار داد

زیرا ممیزات عقلی با اندازه ای در آنها موجود است که هر کس
 یک صفحه از تاریخ آنها را مطالعه نماید محسوساً مشاهده خواهد کرد
 بعضی از علمای دیگر پس از رنگ بشره و ترکیب جسمه
 مبدأ تقسیمات خود را دیانت ، زبان و جامعه سیاسی قرار می
 دهند ولی خطای این نظریه واضحتر از آن است که مبنای
 تقسیمات ما واقع شود

پس از آنی که خواص بدنی ، زبانی ، سیاسی ، و اقلیمی
 نتوانستند مصدر طبقه بندی های اصناف بشری واقع شوند
 پسپیکولوژی ما را بیک طریقه صحیحتری هدایت مینماید و بسا
 خصایص عقلیه و روحیه تمام ملل را از یک دیگر ممتاز مینماید
 زیرا خصایص و ممیزات عقلی و اخلاقی اساس تمام تغییرات و
 تبدلات سیاسی و اجتماعی و سرچشمه ایست که عقاید و فنون
 و نظامات ملل از آن جاری میشود و در تحقیقه میتوان گفت
 قومیت و روح هر ملتی عبارتست از همان حالات روحیه و
 ممیزات عقلیه ای که بآن جامعه اختصاص دارد

هر ملتی دارای يك ساختار فکری مخصوصی است که مثل
 خواص جسمانی آنها ثابت و پایدار است . البته مابین ساختار
 فکری يك ملت و ترکیب دماغی آنها تناسب موجود است ولی
 هنوز علم بآن درجه نرسیده است که از روی ترکیبات دماغی
 خصایص عقلی ملل را تعیین نماید

حالات روحیه و خصایص عقلیه که - وجود قومیت ملل
 است تنها اثری است که قرون ماضیه و نیاکان در گذشته در
 وجود افراد يك جامعه پدیدار گذاشته اند . این خصایص عقلی
 و اخلاقی پس از مطالعه و تدقیق معلوم میشود که در تمام
 افراد يك مایه موجود و از ماوراء اخلاق و صفات شخصی
 این صفات مشترکه جنسی ظاهر است و مانند خصایص تشریحی
 ثابت و غیر قابل تغییر میباشد و اگر هم تغییر یابد مانند ممیزات
 نوعی بکنندی و تدریج انجام می پذیرد

افراد هرملتی علاوه بر اخلاق خصوصی در یکدسته از اخلاق
 با یکدیگر اشتراک دارند که آن را میتوان اخلاق عمومی یا اخلاق
 ملی نام نهاد . در حقیقت از اخلاق عمومی يك جامعه قدر
 مشترکی ایجاد میشود که عنوان و معرف آن ملت واقع
 می شود

اگر با هزار نفر انگلیسی (یا چینی یا فرانسوی) مصادف
 شویم البته اخلاق آنها مختلف است ولی همه آنها در یکدسته
 از صفات شرکت دارند بطوریکه شخص میتواند از روی همان
 قدر مشترك و خصایص ملی جنسیت آنها را تعیین نماید چنانکه
 علم طبیعی خصایص تشریحیه حیوانات را میزان شناختن انواع
 آن قرار داده اند و يك اسب هر چند از سایر اسبها مختلف
 باشد مبنی بر همان قاعده و خصائص تشریحیه اسب شناخته میشود .
 همینقدر که رشته اجتماع يك ملتی مستحکم شده باشد تشخیص
 اخلاق و پسیکولوژی عمومی آنها سهل و آسانست . و قریبکه
 انسان وارد يك مملکت غریبی میشود اول چیزیکه در پیش نظر
 او جلوه می کند همان اخلاق عمومی و صفات مشترکه جنسی
 است که هر کایه طبقات و افراد آن جامعه حکمفرما است زیرا
 اگر شخص تازه وارد مثلاً در روز اول ۲۰ نفر را ملاقات
 نمود یکدسته از اخلاق بیست مرتبه بسر او تکرار میشود و
 این همان اخلاق مشترکه است که هر يك از آن بیست نفر
 دارا میباشد و چون اخلاق مخصوصی هر يك از آنها بیش
 از يك مرتبه با شخص مزبور تصادف نکند . پس هر چه
 می تواند اخلاق ملی آنها را تشخیص بدهد .
 از این رو بکشم شخص غریبی بسهولت میتواند انگلیسی

احیائیولی یا ایطالیائی را تشخیص بدهد و آنها را به همان
 تمیزات عقلی و روحی که دارند توصیف نماید . ممکن است
 صفات مشترکه جنسی از يك فرد منطبق نشود ولی بر مجموع
 ملت بطور صحیح منطبق خواهد بود

پس قطع نظر از اخلاق فردی که بالطبع مختلف است تمام
 افراد يك جامعه دارای يك صفات معینه هستند و آن را
 « صفات مشترکه جنسی » یا (اخلاق ملی) یا اخلاق اجتماعی
 (برحسب اختلاف مواضع) نام و این همان خصایص و تمیزات
 عقلی و اخلاقی يك ملت است که ما آن را سابقان فکری میگوییم
 چرا هر مدتی يك ساختار فکری یا يك روح پیش
 ندارد ؟

اصول (فیزیولوژی) جواب این مسئله را کلاً توضیح
 میدهد : هر فردی از افراد تنها یادگار پدر و مادر خود
 نیست بلکه یادگار اجداد نتیجه وحیات يك ملتی میباشد : میگو
 شپسوان که یکی از علمای علم اقتصاد است از روی فرض و
 تخمین چنین حساب کرده است که بکنفر فرانسوی خون بیست
 میلیون اشخاص را از سال ۱۰۰۰ با خود بر میدارد . هم این
 شخص میگوید که تمام ساکنین يك ناحیه یا يك مملکتی با جمیع
 نیاکان خود شريك و در تحت يك سائقه طبیعی زندگی می

نمایند و با يك حرکت غير اختیاری بطرف آن قدر مشترك جنسی یعنی همان سلسله طولانی که خود آنها آخرین حلقه های سلسله محسوب میشوند کشیده میشوند . ما پسران پدر خود و ملت خود هستیم ، آنها احساسات شخصی ما را بوطن علاقه مند نمی نماید بلکه در ابراز این عواطف ما مطیع خصایص روحانی و جسمانیهای هستیم که بطور ارث بما رسیده است

عواملی که بر اراده اشخاص حکمرمائی میکنند و زمام کارها و احساسات و تعلقات او را در دست دارد از سه قسم تجاوز نمی کند .

۱ (۱) اجداد و نیاکان ما است که در پیدایش اخلاق و شخصیت روحی ما موثر تر از تمام عوامل بشمار میروند

(۲) پدر و مادر

(۳) محیط که بر خلاف عقیده بعضی از سایر عوامل ضعیف تر و بی اثر تر است زیرا محیط با تمام موثرات مادی و معنوی آن چندان تأثیری در حیات انسان ندارد مگر آنکه بواسطه تماس و توارث تا يك مدت طولانی اثرات آن متوالی و مکرر گردد

شخص (هر چه باشد و هر کاری که بکند) پسر ملت و طفل دبستان جامعه قومیت خود میباشد نه تمام افکار و

اجسامات او بخود او اختصاص ندارد بلکه این روح قومیت
اوست که در زیر اخلاق خصوصی وی مستور و آثار آن
از جمیع افعالش نمایان و هویدا است

جمع اجسام حیه مرکب از سلولهای بیشماری است که زندگانی
میکنند ، میبیرند ، توالد و تناسل می کنند و دوره زندگانی
هر يك از آن سلولها خیلی کوتاه تر از آن جسم حی میباشد .
در حقیقت هر يك از اجسام حیه دارای دو زندگانی است ،
زندگانی سلولها و زندگانی مجروح آنها که بسی طولانی تر و
با دوام تر است

نسبت هیئت اجتماعیه با افراد همان نسبت انسان است به
سلولهایی که جسم وی را تشکیل میدهد : اشخاص متولد میشوند
و میبیرند در سرزوشی که حیات آنها در طی حیات اجتماعیه
باقی و پایدار می ماند و هرچند هویت شخصی فانی و زائل
میشود ، هویت اجتماع که از همان افراد مرکب است زنده و
معلوم نشدنی است

پس هیئت اجتماعیه يك موجود پایدار و زنده ایست که
عناصر وجود او را دو چیز تشکیل می دهند
اول هیئت زندگان آن ملت که در يك مدت محدودی
مشخص وجود و هویت جامعه هستند .

دوم سلسله طولانی مرده گان
 اگر بخواهیم حقیقت يك ملتی را درك كنیم باید گذشته
 و آینده را نیز به حاضر اضافه نماییم. موثر ترین عناصر تشکیل
 دهنده قومیت ملل مرده گانند که همه آنها زیاده تر و در حقیقه
 مبدأ تمام حرکات و افکار فطری و جنبش های صوق الطبیعه و
 جریانهای اجتماعی حال حاضر محسوب می شوند

تأثیر مردگان در جریانهای اجتماعی بیشتر است برای آنکه
 آنها مبدأ تکوین ملیت ، مبدأ پیدایش حالات روحیه ملت ،
 مبدأ جریان های اجتماعی بوده اند که اینک سلسله آن تا
 امروز هم کشیده میشود زیرا قانون توارث تنها در خصایص
 مادی و ترکیبات تشریحی بدن جاری نیست بلکه در افکار و
 عقاید و احساسات هم مظهر و جاری می باشد و به الاخره
 زندگان از فضائل اخلاقی مردگان تا بیجا مستحسنه می گیرند
 همچنانیکه بواسطه سوء عملیات آنها بدبخت می شوند

اگر چه آنقدر زماننی که برای تکوین و پیدایش ساختمان
 فکری يك ملتی لازم است نسبت بزمانهایی که برای تکوین
 انواع حیوانی ضرورت دارد خیلی کوتاه است ولی نسبت به
 زمانهای تاریخی ما خیلی طولانی یعنی تمامیت و کامل شدن ساختمان
 فکری يك ملت جدید و تشکیل محتاج گذشتن چند قرن است